



مجلس
۱۲۲۲
۱۱۴۲

۱۲/۱۲

(بسمه الرحیم و بہ تقی)
ہدیہ محفزی است کہ بہ ہندوکان قدوۃ الاعاظم والا کابر
نواب سالار علی خان یوسف علی خان نفعہ اللہ بنفعہ ہندوکی شد
خادم اشرفیۃ المظفرہ حاج میرزا محمد رحیم (۲۴ رجبہ ۱۳۴۵ھ)
ثقتہ الاسلام ببلدیہ بادکوبہ سلطان پور (۲۹ جنوری ۱۹۲۷م)

اوراق منشورہٗ اعضاءِ انجمن

اخوتِ اسلامیہ ایرانیانِ ممبئی

در جوابِ اصفہانی و شرکائیہ (سربراہِ وردگان

تشیخ ایرانیانِ ممبئی)

U. G. L. S. LIBRARY
(Oriental Section)
PERSIAN PRINTED BOOKS:
Accession No. ۲۹۹۱ Cat. No.
Subject..... No.

در اوّل بابہٗ دقیقہ ۱۳۳۳

در مطبعہٗ خلافت واقعہٗ دکن گریسٹ نمبر طبع گردید



۲۹۹۱

 تنقیہ
 ۱۹۵۹

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي امر عباده بالاعتصام بحبل الاتفاق
 ونصائحهم في محكم كتابه المبين عن التفرقة والنفاق واعد من الخوف
 عن طريق الوفاق وعدل عن صراطه المستقيم الى مسالك الشقاق و
 الصلوة على محمد المبعوث لتتيمم مكاسم الاخلاق وعلى آله واهل بيته
 الطاهرين الامجاد العادين الناس الى الرشاد والرشاد وعلى
 اصحابه السالكين سبل الرشاد ولعنة الله على اعدائهم ابد
 الاباد بحجقتهم وحق حاشي العباد

اما بعد برضا رحيقت آثار اخوان مومنين مخفي و پوشيده نماند که چندی قبل
 ورقه از طرف جناب ناظم التجار حاج میرزا اباشم اصفهانی مشتمل با مضامین ایشان و چند
 نفر دیگر که در سر لوحه آن ورقه بخود عنوان (سر بر آوردگان ایرانیان بمبئی) داده اند
 متعلق بانجنس (اخوت اسلامیہ ایرانیان بمبئی) در رئیس آن حضرت ثقت الاسلام
 برد زمام خلافت فرستاده می شود و مدیر خلافت آن ورقه را در شماره (۳۸) جلد
 چهارم بنجم شوال ۱۳۳۳ هـ الموافق ۲۰ اپریل ۱۹۲۵ء نشر میدهد و محرک حضرات
 سر بر آوردگان بمبئی یا اصفهانی و شرکاء به نشر این ورقه چه بوده آن باشند فقط همین قدر
 محقق است که هبانه و دست آویز ایشان برائے نشر این ورقه سر از ناچ پست
 که بنام انجنس اخوت از حضرت اشرف رضا خان رئیس الوزرا و در جواب تبریک

انجمن اخوت از فتح خوزستان آمده و آن سرفراز ناچهار انجمن اخوت محض افتخار در
 اخبار خلافت نشر داده اعضا انجمن اخوت از چندین سال باین طرف جز خدمت به
 مسلمانان و بالمخصوص بایرانیان چیزی دیگر را مد نظر نگرفته بلکه همه کس زیاده از حد
 و بیانش اظهار اخلاص و اذیت نموده در صورت امکان باز خواهد نمود و امروز با کمال
 اسف اخوت نظر بسببیکه ذکر خواهد شد خود را مجبور مینماید که مدتی از وقت خود را بجا
 آن ورقه لیکن با مراعات ادب و احترام مرت نماید و بحسب استحضار کامل عموم برادران
 اول کاغذ حضرت اشرف رضا خان دام اقباله را که بافتخار انجمن فرستاده اند نوشته
 بعد در تمبر بر آرد و گاه را بتمام الفاظ و معین عبارات اش نقل کرده بعد بجا آید
 می پردازد و امید داریم همه برادران ایرانیان بفکر ترقی قومی بوده دست اتفاق بهم
 دهند و از نفاق و منافق کفاره گیرند و اگر نه بخیاں راحتی و خوشی خود بوده و بلاغ خود را
 بخدمت خیال نیندازند خیر اگر نمیدهند شتر نرسانند اللهم اهدنا وجميع اخواننا
 المومنین الى الصواب والى ما هو خير لهم و لنا بحاجه محمد و الله

صورت مکتوب حضرت اشرف رئیس الوزرا و رضا خان به آقای ثقه الاسلام بلبله

جناب آقای ثقه الاسلام بلبله با کرامت رئیس انجمن اخوت ایرانیان مقیم بمبئی مرسله
 مورخه پانزدهم دسمبر ۱۳۰۲ هجری و اصل از حسن نیت و احساسات قدر شناسانه شما و آقایان
 اعضا انجمن کمال فرستادی و مسرت حاصل شد بحمد الله مطابق آمل ایرانیان و وطن
 پرست قدرت دولت در سراسر خوزستان مستقر و امنیت کامل حکم فرماست استان
 از مراسم جشن و شادمانی که آقایان اعضا انجمن بمناسبت ختام غائله خوزستان فراهم
 آورده اند ابلاغ فرمائید ریاست و ذرار رضا خان

صوت و ذوق صفائی و شرکاء سربراہ اور گامی در خصوص اخوت و رئیس آن

آقائے میر خلافت و صفحہ اول اخبار خلافت نمبر (۸۶) خطی کہ اجانب ٹھخے کہ خود را
ثقہ الاسلام می نامد خدمت حضرت اشرف آقائے سردار سپہ عرض نموده و جوابیکه از حضرت
منظم الیه رسیده درج شدہ ما ایرانیان بمبئی لازم میدانیم توضیح دهیم کہ نہ از تاسیس کن انجمن
مطلع نہ ثقہ الاسلام را قائم دریس خود میدانیم بنا بر این میدانیم بچہ حبت و وسیلہ تحقیق
مشار الیه میخواد خود را رئیس ایرانیان بمبئی معرفی نماید لزوماً مطلب را حضور حضرت اشرف
آقای سردار سپہ رئیس الوزرا عرض میداریم کہ ہم رفع این سوء تفاهم شدہ و بقیست
حال ثقہ الاسلام رئیس خیالی انجمن ایرانیان معلوم شود نیز خلست از ثقہ الاسلام کہ بہ آقائے
سردار سپہ عرض کردہ است برائے فتح خوزستان جشنی از طرف انجمن اخوت گرفته
سوال و بعد تحقیق شود در چه وقت و کدام نقطہ و بواسطہ چه اشخاص جشن مذکور انعقاد
یافت و در آن جشن کدام یک نفر ایرانی حضور داشت
محمد حسین شوشتری حاج محمد حسن دزدونی محمد حسن شوشتری حاج محمد علی شوشتری
محمد حسین دہشتی رئیس التجار سید اسدالدین شوشتری محمد جعفر شوشتری ملک التجار مرزا احمد
کا زردنی حاج میرزا ہاشم صفائی ناظم التجار محمد تقی افشار
ورقہ جناب صفائی و شرکاء تمام شد

ما اعضاء انجمن اخوت انهار تا سعت می نامیم بر عدد محدود و دیکہ خود را از سر بر آوردگان
ایرانیان محسوب می دارد و از وجود یک انجمنیکہ ہمہ آئینہ اطلاع از او دارند و چندین سال
است نقل مجلس ہمس حضرات است انصار بے اطلاعی کردہ نفی عضویت خود را ہم مینمایند
در حالتیکہ یکے از اعضاء کنندگان تقریباً دوس قبل فیصلہ نزاع خود کہ بایکے از اعضاء

اخوت داشت به انجمن حوالہ کردہ بودند و انجمن کیے از اعضا خود را برائے فیصلہ از طرف انجمن معین

نمودہ

یکی دیگر از اعضا رکندگان زیادہ از یک سال عضو انجمن بودہ در ہمیش در جہد دل حاضر و ناگ
اعضا رہر سفتہ قید و نوشتہ شدہ و بخوابش اعضا و بموجب کیے از مواد پر و گرام انکا بنفعہ الاسلام
نام اورا از دفتر انجمن خارج کردہ است و کیے دیگر از اعضا رکندگان آقا زادہ اش از روز
اول تاسیس انجمن تا امروز عضو انجمن است سعید ایں حضرات سربراہ دردگان چہ گوئہ اظهار
بے اطلاعی از تاسیس انجمن اخوت مینمایند؟

سبب انکہ انجمن اخوت تا بحال بہ صدد جواب ایں مکتوب بر نیامایں بود کہ مدیر روزنامہ خلافت
در بہاں شہادہ کہ مکتوب سربراہ دردگان را درج کرد جواب سخت لیکن معقولانہ از طرف خود تقلم
خود بہ جناب اصغمانی نیز داد و از انجمن از رئیس محترمش دفاع کاٹے فرمود و برائے جواب
انجمن مجالے باقی نہمانہ لیکن مکتوب سربراہ دردگان کہ دفعہ اولی درج شد فقط با مصفا

جناب اصغمانی بود و از درج سائر اعضا با واسطہ مشبہہ بودن اعضا با در نظر او خود داری
مع نہ اجاب اصغمانی آرام نہ نشستہ بہ مدیر خلافت نوٹس فرستاد کہ چہ اسامی سائر اعضا
کندگان را نوشتی با یہ بنویسی خوب کرد خلافت ہم نوشت و نشر داد آن ہم خوب کرد
اخوت باز بہان جواب خلافت کہ سابق دادہ بود اکتفا کرد لیکن جناب میرزا ہاشم
اصغمانی باین ہم اکتفا نکردہ مکتوبش را دفعہ سوم در ورقہ خاص مطبوع مستقل با ترجمہ
بزرگان گجراتی نیز علاوہ بہ عبارت اردو و فارسی نشر داد معلوم شد بہ متانت مصنفین کتب
عقیدہ کاملہ دارند لہذا اخوت مجبور شد کہ حملہ حملہ ورقہ او را جواب دہد و عدم اہمیت اورا
بہم معلوم نہاید

این ورقہ علاوہ برنیکہ بہ مدائے بلند درسا میگوید کہ من مبتنی بر اغراض و مطالب
سخت سست بنیاد است بر چندین جملہ ہائے مشککہ نیز نیز شکل است

جمله اول اینکه امضا کنندگان به خود عنوان سر بر آوردگان ایرانیان می داده اند
اولاً اگر فرض کنیم که ثقة الاسلام خود بخود ثقة الاسلام گفته و این عیب است لیکن این عنوان بر آوردگان
را که بخودشان داده اند براران باد برتر ازده است خوب بود اول قباح است این را بعین بعد
ثقة الاسلام ایراد کنند بقول مدیر خلافت خوب بود این عنوان را بآنها دیگران بدهد
دنیائاً در زیر عنوان سر بر آوردگان کسانے ورقه را امضا کرده اند که عقیده نداریم که
بعضی از سر بر آوردگان آنها را در عرض خود بدانند اگر این عقیده را دارند نایز ممنوعیم بعد
ازین آنها را در قطار و صف سائر سر بر آوردگان میا دریم و ذکر می نمایم و بهین القاب
تعظیم آنها را می کنیم

و ثانیاً مراد ایشان از سر بر آوردگان چیست اگر خدمت بملت و دولت است
بیچ کدام ازین اشخاص خدمت قومی نکرده اند مدرسه باز نه کرده اند بیمار خانه نساخته اند
و مسافر خانه و جماعت خانه بنا نه کرده اند اگر مراد از سر بر آوردگی پول هست که باو
می نازند و دام پول ایشان به درد ایرانین نیخورد با پول فارسی بادهند و باو نظر
ما فرق نه دارد اگر متمولین فارسیها خود را سر بر آوردگان بگویند حق دارند زیرا که دولت
آنها همه قسم اسباب عزت و افتخار قوم خود را فراهم کرده اند
در جمله دوم میفرمایند (آن صاحب که بخود ثقة الاسلام میگویی) این جمله بچندین وجه
خنده آور است -

و جا اول اینکه چند روز قبل سر بر آوردگان هم با وثقه الاسلام میگفتند و بنوشته چند بعد از حصول غرض نفعی از ایشان
بجز نفع که بر ایشان از بخود وثقه الاسلام میگویی این است که خود را وثقه الاسلام امضا میکنند خود سر
بر آوردگان هم خود را به لقب رئیس تجاری و ملک تجاری و ناظم تجاری در این ورقه
و غیر آن امضا کرده اند و میکنند چه عیب دارد آن هم بکنند ضرری بگاو و گوسفند آنها
نداشت -

و جہ دوم اینکه او بخود ثقہ الاسلام نہ گفتہ عالم باوثقہ الاسلام گفتہ و میگوید و خواہم
گفت حتی چند سال قبل از آمدنش بہ ہندوستان سیاحین ہند و غیرہ و جہاں مصر و عراق
و ایران و شام و غیرہ را وراثتہ الاسلام نوشتہ و در فرامین شاہی و اجازات و اسناد مجتہدین
بزرگ و در کاغذ ہائے خصوصی علیحضرت شاہ و امراء و زرا و شاہزادگان وراثتہ الاسلام
نوشتہ و گفتہ اند کہ تمام این اسناد و اوراق نزد جناب ایشان موجود است ہر کہ میخواہد
بیا بدشاہدہ کند و مخصوصاً آنرا خواجہ غلام نقیلین بانی پتی بی لے ایل- ایل بی کہ پانزدہ
سال قبل سفر عراق و ایران و روسیہ و ترکیا و مصر و شامات و حجاز کردہ و در سفر نامہ خود اورا
ثقہ الاسلام خواندہ و از بزرگان عراقش شمر دہ و مدد اشخاص لائق دید و مشہور و بعد
از نام چند نفر از اکابر مجتہدین عراق نام ثقہ الاسلام را نوشتہ و مدرسہ و کتب خانہ و قرأت خانہ
اورا کہ نہ بحث اشرف بہ خراج کیسہ خود افتتاح کردہ زیارت کردہ و در مدرسہ ثقہ الاسلام
لفظ نمودہ و این سفر نامہ سیزدہ سال قبل طبع شدہ و در دست ہمہ بہت و نزد ثقہ الاسلام
نیز موجود است و بالاتر از ثقہ الاسلامی مجتہدین بزرگ اورا مجتہد گفتہ و زہد و ورع و تقوای
اورا در اعلیٰ درجہ نوشتہ و نماز جاعت را با او بر لے مسلمانان فیض عظیم شمر دہ اند و اسناد موجود
است و ہمہ کس آزاد است کہ بیا بدبینید و عنقریب این اسناد محض قطع لسان بعضی
از مفسدین کہ میگویند کجا است اسناد اجتناداد بہ طبع خواہد رسید تا معلوم ہمہ شود کہ ثقہ الاسلام
با این مقامات علمیہ و با این بزرگی و مراتب و شہرت چہ مقدار شخص متواضع و فروتنی است
کہ بخود عنوان ملای نمیدہد و نفوذ و حانیت را اعمال نمی کند و اعیانیت و اشرافیت خود را
ہم اظہار نمیکند و با غنی و فقیر بزرگ و کوچک یکسان راہ میرود و با عدم حاجتش با حدی
بہہ اظہار محبت ننماید۔

و جہ سوم اینکه اگر از تمام این وجوہ غرض عین شود سپاسنامہ (اور سیکہ)

بہ ثقہ الاسلام در افتتاح مدرسہ پسران ایرانیان بمبئی بہ طرز جدید این سر بر آوردگان و غیرہ

امضا کرده داده اند لاگو یا اورا فراموش کرده انشاء به قوی و گواه صادق است بلکه خود
 نشان نیز اورا از ده سال قبل ثقة الاسلام خوانده و نوشته اند و امضا رکنندگان این
 ادرس زیاد است لیکن از سر بر آورندگان ایرانیان بمبئی که تا دیروز در ثقة الاسلام گفته اند
 و امروز میگویند خود خجسته الاسلام میگوید و این ادرس یا سپاسنامه را امضا کرده اند یکی رئیس تجارت
 محمد حسین دہشتی است که محتاج ادرس را در لوله نقره در تحقیق ایشان مرحمت فرموده
 و عبارت ادرس املا و انشاء شیخ محمد حسن پسر حاج شیخ ابوالقاسم نجفی کاشانی است و امضا
 حاج شیخ ابوالقاسم نیز درین ادرس است۔

یکی دیگر آقا محمد جعفر ملک التجار خوشتری است و موسی آقا محمد حسن صاحب خوشتری
 است و چارمی آقا محمد حسین خوشتری است و امضا رکنندگان دیگر نیز زیاد است لیکن آنها
 چون ورقه منقوشه را امضا نکرده اند بذکر نام آنها حاجت نیست پس حضرات چارگانه در میان
 ادرس در سوره آن حاج میرزا محمد رحیم بلبله را (علاوه بر مروج الاحکام و ملاذ الانام) ثقة الاسلام
 نوشته اند حالاً چگونه در این ورقه منقوشه میفرمایند آن شخصی که خود را ثقة الاسلام می نامد و در آن
 ادرس نیز ثقة الاسلام را مخاطب قرار داده عبارت ذیل در حقش مینویسند و این عبارت
 این است معلوم است که ترویج مذهب و تشیید دین و ملت و اداره نمودن معارف تالیس
 مدارس و ترتیب مکاتیب لطیفی صحیح که از جمله امورات عالمیه محمده معبیه ذو مشاق است
 آنرا تفویض بر جال خود نموده که ازان محمله است و جو مقدس مبارک عالی ادام البدقاکم
 که امروزه از جال بزرگ حصر عالمیه خود هستید با کمال الکنی لسان و حضور بیان شکر ایزدی
 را اینما تم که سعادت ما ایرانیان بمبئی بواسطه وجود مصفیة و مفیده شما مستیروز و دشمن گردید
 بشری لقد انجز الایصال ما وعدا و طالع السعد فی افق السعد سعدا
 و بعد از چند سطر دیگر باز دران ادرس مینویسند این بخدمت بزرگ (یعنی افتتاح مدرسه)
 که از وجوہ ایشان (یعنی ثقة الاسلام) لعالم بروز و ظهور رسیده عالم اسلام را منوره و ایرانیان

را ممنون و تشکر نموده تا در آخر ادرس بعد از مسلت از خدا دوام عمر و توفیق و حدیث ثقه الاسلام
 را می نویسد تا و از جلی میگویم زنده باد بلبله پاینده باد کوچه پاشا سون حاجی میرزا محمد رحیم
 و ادرس را ختم میکنند حالا چگونه شده است که از مسجد ممنوع همی شود و دیکفر نیست
 که بگوید که این ثقه الاسلام که یازده سال بشما خدمت مفت کرد و یک پول از شما
 نگرفت و چه قدر برای تمام و فقرا و شما داد و بر معارف شما خدمت کرد چه گنا هست کرده
 و بر مال و جان که ام یک از شما دست درازی کرده که این اجتماعات و گفتگو با
 بر ضد ایشان میشود این ثقه الاسلام که محدّل و مصدّق همه اکابرین مجتهدین
 نجف و کربلا و سامره است که اساتید مجتهدین امروزه هستند فرض کنیم که گنا بگناه
 هم است در بمبئی که گناهکار خبیث است سر بر آوردگان چرا با آنها تفرص نمیکند و علاوه
 بر این خود امضا و نگذندگان که گناهشان بیشتر از دست -

جمله سوم نشوده سر بر آوردگان این است که میفرمایند (ما ایرانیان بمبئی لازم
 می دانیم توضیح دهیم که نه از تائیس آن انجمن مطلع و نه ثقه الاسلام را قادر رئیس خود
 میدانیم بنا بر این نمیدانیم بچه جفت و وسیله و استحقاق مشارالیه میخورد خود را رئیس ایرانیان
 بمبئی معرفی نماید)

این جمله بچندین وجه مضحک تر از جمله های پیش است -

اول اینکه این ده نفر بچه استحقاق بخود (ما ایرانیان بمبئی) میگویند آیا خودشان را
 این ده نفر عبارت از همه ایرانیان بمبئی میدانند؟ در حالتیکه عدد ایرانیان بمبئی قریب
 به پنج هزار نفر است و مشایرشان چندین برابر این ده نفر است چه طور اقایان می
 فرمایند (ما ایرانیان بمبئی) بعد از این ما امضا و نگذندگان ذیل بنویسند

دوم اینکه واقعا هزاران دانشمند و عالم دین فہم و خیال که توضیح چه مطلب جمعی را لازم
 دانسته اند گویا یک از مطالب بزرگ جمعی و مذہبی است که سر بر آوردگان توضیحش را

لازم می شمارد که سکوت خلل به دیانت و صدمه بقومیت آنها نرزد و بعد از تسلیم اهمیت این مطلب احتیاجش به توضیح محض اختصاص بخندین وجه ازین جمله جواب می دهیم -

اول اینکه همه شما با از تاسیس انجمن بان قسمیکه در پیش ذکر شد خبردارید و بر فرض تسلیم که خبر ندارید اگر شما با از تاسیس یک انجمن خبر نداشته باشید چه طور میشود شما با در که ام انجمن اسلامی و قومی تا حال عضو بوده اید که ازین انجمن هم خبر نداشته باشید یا عضو نش باشید -

دوم اینکه چگونه خبر نداشته اید که بعضی از اصناف کنندگان چندین وقت که در خیابان انجمن کوشش میکنند -

سوم اینکه لازم نیست هر انجمنیکه تشکیل میشود آن حضرات که خود را سربرآوردگان مینامند عضو شوند یا مطلع شوند در انجمن لازم نیست که تمام افراد قوم انانثا و ذکوراً شریک شوند و یا اگر چند نفر عضو نشوند در اجبار اعلان کنند که ما عضو نلان انجمن نیستیم و یا از تاسیس آن خبر نداریم عضو نیستید که مستبعد خبر نداریم که مژداید سربرآوردگان بدانند که انجمن نزد تمام عالم عبارت است از عده معدود و افراد خاصه که برای خدمت بر مقصد مذہبی یا قومی در یک نقطه جمع شوند خواه اعضا را آن هزار شود یا صد یا بیست یا ده و با لجمه عدد خاصی برای اعضا انجمن کسی معین نه کرده و دخول عموم را هم کسی شرط نه کرده و خروج سربرآوردگان را هم مضر ندانسته اند مثلاً خودی از مسلمانان و هندو فارسی و انگلیس با صد ها انجمن است اگر چند نفر ازین اقوام داخل در انجمن قوش نشد آیا باید در اجبار اعلان کنند که ما از تاسیس انجمن خبر نداریم و عضو نش نیستیم؟ یا عدم اطلاع آنها دلیل عدم وجود انجمن میشود؟ افسوس صد افسوس -

چهارم اینکه انجمن اخوت در شب ۲۵ ج ۲ ۱۳۳۱ هـ که زیاده تر از دو سال و چهار ماه است در ممبئی در تحت صدارت نقه الاسلام تشکیل و پروگرام آن چاپ شده و به تصویب حکومت محلیه رسیده و به نام نه دولت علیه ایران آقای میرزا اسد علی

منج الملک دام اجلاله نیز همان اول تشکیل خبر داده شده و اخبار خلافت لمخص پر دگر آم
انجن را بهان وقتاً اعلان کرده و کارنامه های او را در سال گذشته از جلد سوم در
مهر ۲۲۹ و غیره نشر داده و هم چنین در ممبرات جلد چهارم و سر بر آوردگان هم خبر داده
و اگر هم بر فرض خبر نداشته باشند اهمیتی ندارد.

پنجم آنکه اگر اشغال بعضی از این اشخاص امضا نکنند گان هم از سر بر آوردگان باشند
که وکالت از همه ایرانیان کرده بگویند (ایرانیان بمبئی از تائیس انجن اخوت مطلع هستیم
از قبیل این اشخاص هزار نفر ایرانی پیدا میکنیم که بگویند ایرانیان بمبئی از وجود اخوت خبر داریم
ششم آنکه این حضرات بجهت استحقاق ادعای سر بر آوردگی ایرانیان کرده اند
در حالتیکه باتفاق کل سکنه بمبئی آقا قاضی مرزا علی محمد خان صاحب سولشرد آقا قاضی میرزا
علی اکبر خان جج بزرگتر و مشهورتر و معروفتر و با کمالی از همه امضا و کنندگان است
بنابراین ما هم نمیدانیم بجهت حبس و وسیله و استحقاق این امضا و کنندگان خود را سر بر آورده
ایرانیان بمبئی معرعه نمی نمایند که تا حال نه از سر بر آوردگی ایشان مطلع هستیم و نه
ایشان را سر بر آورده ایرانیان بمبئی میدانیم لذا ما هم محض تقلید و تحقیق عبارات
نویسی سر بر آوردگان میگوئیم لزوماً مطلب را هم به عموم ایرانیان بمبئی و هم با قاضی
حضرت اشرف سردار سپه رئیس الوزرا و عرضه میداریم که هم رفع سوء تفاهم شده و
هم حقیقت سر بر آوردگان خیالی معلوم شود.

هفتم آیا امثال آقا قاضی علی صاحب تازی و آقا قاضی حاج شیخ محمد شوشتری و حاج
ابراهیم صاحب بوشهری و آقا محمد جعفر صاحب سولی شوشتری و آقا قاضی حاج محمد غضنفری
و آقا قاضی حاج سید ابوالقاسم بزدی آقا میرزا عبد الله صاحب کازرونی و آقا قاضی
حاج محمد صادق صاحب شوشتری و کمپنی اتحادیه و آقایان تجار و ریه و حضرات شیراز و
که ذکر اسامی همه موجب تطویل است بعد بعضی از امضا و کنندگان سر بر آورده نمیشوند

هشتم آنکه غیبه عجیب است که ده نفر متواتر اند (ما ایرانیان بمبئی) بگویند ما اخوت که عضو
چندین برابر این افغانی ص است لفظ ایرانیان اگر بخوبی نسبت بدینند باید مسئول این ده نفر
باشند.

نهم آنکه سر برآوردگان این راهم بدانند که انجمن (اخوت اسلامیہ ایرانیان) نام است
که بر انجمن داده شده و معنی اش این است که هر مسلمان ایرانی با جامع بودن شرائط عضویت
میتواند در او داخل شود و نه اینکه معنی اش این است که تمام مسلمان ایرانی عضو او باید باشد
چنانچه اگر یک نفر ایرانی مسلمان عضو نشد اطلاق اخوت اسلامیہ ایرانیان بر او صحیح
نباشد برائے تفهیم عرض می کنیم که اگر شرکتی بنام (شرکت ایرانیان) تشکیل شد معنی
او این نیست که تمام ایرانی درین شرکت شریک است بلکه برعکس امتیاز است از سایر
شرکت ها پس اخوت اسلامیہ ایرانیان هم برائے امتیاز است از انجمن اخوت عربی
و فرانسوی و برای فرق است از انجمن فارسی و یهودی و وارامنه ایرانی.

دهم آنکه نقه الاسلام چه وقت ادعای ریاست و قیادت شما ایرانیان بمبئی
را کرده است که شما اعلان نفی اش را میکنید او خود را همیشه خادم قوم میدان و بخدمت
مسلمانان افتخار بنماید و در داغش خیال ریاست نیست و بر اخلاق و احوال حاضر
اغلب ایرانیان بمبئی هم متأسف است

یازدهم آنکه نقه الاسلام در کاغذ و تلگراف سردار سپه رضاخان دام مجد و قبلاً
امضائی که کرده است رئیس ایرانیان بمبئی نیست که سر برآوردگان بهم خورده اند
و خیال شان متشنج گشته است بلکه رئیس انجمن اخوت اسلامیہ ایرانیان بمبئی هم
کرده است و حضرت اشرف رئیس الوزرا و رضاخان هم بهیمن عنوان کاغذ نوشته رئیس
ایرانیان نموده است این هم راست است که نقه الاسلام رئیس انجمن بوده است بر فرض
رئیس هم نباشد چون مثل بعضی از صاحبان اصناف و ایرانی ریاست در سر ندارد به عضویت

یکی از انجمن قومی در تحت صدارت سردری مفتخر است.

دوازدهم اینکه بعد از اینکه گفتیم که ثلثه الاسلام ادعای ریاست نموده و نمیکند و نوشته بود که غدر سردار سپه هم رئیس اخوت امضاء کرده نه رئیس ایرانیان در این صورت نمیده نمی شود فرمایش سر بر آوردگان که میفرمایند انبار این نمیدانیم بجهت دوسیله و تحقیق مشارالیه میخواند خود را رئیس ایرانیان بمبئی معرفی مینماید) بکنجی بر میخورد بیک محسب و چه تفریبی است و چه مناسبتی با سابق خود دارد مگر اینکه خود سر بر آوردگان معنی عبارت خود را بفراستند سیزدهم سر بر آوردگان در ظرف دو سال و خود را ایضا رطافت را نمیخوانند و کارنامه های اخوت را نمیدانند فقط کاغذ حضرت اشرف رضا خان را دیدند آن هم امروز که عرض در میان بیک سطر عبارت میزده اعتراض پس است در همین عدد ختم کنیم.

در جمله چهارم سر بر آوردگان میفرمایند (لزوماً مطلب را حضور حضرت اشرف آقا میسر دار سپه رئیس الوزرا عرضه میداریم که هم رفع سوء تفاهم شده دهم حقیقت حال ثلثه الاسلام رئیس خیالی انجمن ایرانیان معلوم شود.

این جمله هم کمتر از جمله های سابق نیست معلوم می شود این خبر در نظر سر بر آوردگان یکی از مسائل مهمه محصله لائیکل است و اطلاعش زیاده از حد لزوم دارد اگر این خبر را دادند گو یا تمام نقصانات قومی ایشان کامل خواهد شد و آقا میسر دار سپه هم تمام اصلاحات همه خود را کن رگذاشته بیش از پیش این مسئله را بنظر اهمیت نگاه کرد و از این قسم اطلاعات سر درگشته کاغذ شکر بیش خواهد فرمود و بر فطانتشان آفرین خواهد گفت.

اولا هر کس میخواهد به حضرت اشرف سردار سپه اطلاع دهد بپست حاضر و سردار سپه هم (که خدا ندهد از بدارش بدارم) حاضر است در اجازت اعلان کردن میخواهد مجلس مرا بگه لازم ندارد بنویسند خبر بدهند

نهایتاً ثلثه الاسلام بواسطه انجمن اخوت نزد سردار سپه معروف نشده است که

از حقیقت حال انجمن یا ثقه الاسلام آگاہش کنند ثقه الاسلام کسی است که تقریباً بسیت و بیچ
سالی قبل در طهران (علاوہ بر ملاقات وزرا و شایزادگان) شرف ملاقات اعلیحضرت منظرالمرین
شاه را حاصل کرده و در نجف ہم کہ بودہ بارجال بزرگ و وزرا و دولتمن علیتین اسلامیتین
ترکی و ایران مکاتبہ داشتہ و اعلیحضرت سلطان ترکی و اعلیحضرت شاه ایران اورا میثاختہ
است و اعلیحضرت احمد شاه ہم کہ بہ بیچی تشریف آوردند با احدی غیر از ثقه الاسلام ملاقات
نفرمودند و این شہرت ہائے ثقه الاسلام قبل از تشکیل انجمن اخوت و قبل از معارفہ
و دوستی با سربراہ وردگان بودہ از مرحمت سربراہ وردگان بہ عزت نرسیدہ بلکہ انعام و ایجاز
از قدر و منزلتش گاستہ شدہ باید ہم گاستہ بشود

و ثالثاً سورتقا ہم کسب فہم سربراہ وردگان است کہ امضای مدعیان انجمن اخوت
بارئیس ایرانیان یک نمیدہ اند اما در نظر دیگران خصوصاً آقائے سردار سپہ
با آن مغز بیدار شش و فہم خدادادش ابد اسورتقا ہمی نیست زیرا کہ لفظ
دعا گاہت معنی پیش ہم دوتا است

البتہ ثقه الاسلام بہتر از سربراہ وردگان خیالی حقیقت حال را معلوم
و بیان می نماید۔

خامساً اطلاق رئیس خیالی از سربراہ وردگان بر ثقه الاسلام شاید دروغ باشد
زیرا کہ اگر ریاست ثقه الاسلام خیالی بود این ہمہ لغو و فزاید و مہیا بود تا نزد
نشریہ ہما لازم نہ داشت بلکہ بیک خندہ مسخرہ آمیز می گذشت معلوم نمی شود
کہ ریاست ثقه الاسلام بر سربراہ وردگان واقعی است از اینجبت طاقتشان طاق
شدہ در رتبہ و مابند و شب روز در دوندگی واضطرار بند۔

و جملہ پنجم میفرمایند نیز خوبست از ثقه الاسلام کہ بہ آقائے سردار سپہ
عرض کردہ است برائے فتح فوزستان بخشی از طرف انجمن اخوت گرفتہ شدہ سوال

و بعد تحقیق شود در چه وقت که ام قطعه و بلا سطر چه استخاص جشن مذکور انعقاد یافت و در
این جشن که ام یک نفر ایرانی حضور داشت -

بعضی از خصوصیات این جملہ ہم کمتر از جملہ ہائے سابقہ مورث تعجب
نیست زیرا کہ آقا ہائے سردا - سپہ لشکر از شادمانیکہ آقایان اعضاء انجمن کردہ اند
فرمودہ اند و این شادمانی یا جماع اعضاء و اخوت در مرکز خود و بخشی کردن خود
آہنہا نیز محقق می شود و لازم نیست کہ از اول بمبئی تا آخر بمبئی کہ یازدہ میل است
تعطیل عمومی نمودہ و تمام شہر را چراغان کردہ سر بر آوردگان ہم حاضر شدہ
شربت نوشند و اگر تشریف نداشتہ باشند بعد از تحقیق فرمایند و اگر موافق
تحقیق آہنہا شد اخوت را مجازات نمایند از کجا معلوم کہ بعضی از فتح خوزستان
و لگیر نیستند اگر خوش بودند آہنہا ہم جشن می گرفتند یا غریبانہ مثل اخوت یک جانی
جمع شدہ شربت می نوشیدند و خوشی میکردند

و مطلب دیگر نیز اینجا معلوم میشود و لو انیکہ آقایان سر بر آوردگان گویا غیر
از دہ نفر خودشان را ایرانی حساب نمی کنند و از نیجت است سوال می کنند کہ در آن
جشن کہ ام کلیر ایرانی حضور داشت چون دشنہ بودہ و یا اعضا را خودشان چندین برابر
آہنہا است گویا ایرانی نمیدانند و یا بہمہ ماہ توافق خدمت کر است فرمودہ وقت
وقت را با بشناسان کہ عزیزش شماریم و در لاطا کل صرت نمایم -

ایں دعا از من و از خلیل ملک آمین باد

المخلص اسناد ثقۃ الاسلام ببلبلہ

الف متا وقتیکہ ماند و اوراق اجازات علمیہ و وظائف اجتہاد و دیہ و خدمات
لمیہ آقا ہائے ثقۃ الاسلام را از نظر گذرانیدیم و عبارات اکابر محبتین را اگر کہ

اساتید مجتہدین امروزہ ہستند مثل آیات اللہ العظام ۱۔ حاج میرزا حسین بخل
میرزا خلیل طہرانی ۲ و اخوند ملا محمد کاظم خراسانی ۳ و حاج شیخ عبد اللہ المازندرانی
۴ و آقا سید اسماعیل صدر عالی ۵ و آقا میرزا احمد تقی شیرازی ۶ و اخوند ملا محمد علی
نخجوانی ۷ و آقا میرزا احمد علی رشتی ۸ و آقا شیخ الشریعہ اصغہانی ۹ و حاج سید
مصطفی کاشانی ۱۰ و حاج شیخ محمد حسین مازندرانی ۱۱ و آقا شیخ زین العابدین مرندی۔
۱۲ و حاج سید علی داماد تبریزی ۱۳ و آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی ۱۴ و ہیئت
علیہ علیہ نجف اشرف ۱۵ و ہیئت علیہ علیہ نجف اشرف ۱۶ و مکتوب اخوند ملا محمد
کاظم خراسانی ۱۷ و مکتوب حاج سید علی تبریزی ۱۸ و مکتوب اخوند ملا محمد علی
نخجوانی ۱۹ و مکتوب حاج سید مصطفی کاشانی ۲۰ و مکتوب شیخ الشریعہ اصغہانی
راہ والد ماجد آقا کے ثقۃ الاسلام ۲۱ و مکتوبات ہمیں حج خمسہ مذکورہ راہ خصوص
مؤسسات خیریہ آقا کے ثقۃ الاسلام بہ وقت تمام مطالعہ کر دیم۔ علاوہ بر
ثقۃ الاسلامی و اسوۃ الفقہاء و المجتہدین و فخر الفقہاء و المجتہدین عبارات ذیل را
در ان اوراق و مکتوبات کہ در حق احدی از علما امین قدر تعجید و توصیف مذہبہ بودیم
مشاہدہ کر دیم و ما آن عبارات را بطور فرست لبرگزاشتنہ نشر میدہم و ہر کس
بخواد کہ بحشتم خود اوراق اصلہ را ملاحظہ فرماید موجود است ویرجودہ اتحاد اگرچہ
این مضامین را زبان اردو نشر داولیکن چون مضامین کا ملا در جریہ ذکر نشدہ بود
باجتناب مضامین دیگر علاوہ بر آن نمودہ نشر میدہم۔

مضامین منتخبہ از اوراق اجازات

۱۔ ثقۃ الاسلام در تمام وظائف اجتہادیہ مجاز مذ ۲ در جمیع امور حسبہ تصریف
مثل تصرف مجتہد مطلق است و حکم اش نافذ است ۳ رد کلام اورد احکام شرعیہ

مثل رد کلام امام علیه السلام و غذائے جل شانہ است
 ۴۴ - از عارفین با حکام البیہ اندھ خود دارائے و ظائف اجتہاد یہ اندھ بعض ہضم
 نفس و شکستہ نفسی از ما اجازہ میخواہد ۴۵ خود اہلند کہ بدگیرے اجازہ دہند
 ۴۶ اجراء احکام و اطاعت امام مفترض الطاعہ است ۴۸ در روایت احادیث
 کتب اربعہ مشورہ نزد شیعیہ بموجب اجازہ کہ از مشایخ عظام تا نہنتی شود با امام
 علیہ السلام داریم خباب ایشان را مجاز و ماذون نمودیم - ۴۹ بہ قصوی درجات
 علم و عمل و زہد و تقوی و اخیاط نائل شدہ ۱۰ جامع معقول و منقول است ۱۱ سرآمد
 از باب فضل و دانش است ۱۲ از معارف علمائے دین است ۱۳ شخص بادریت
 و کفایت و ملت خواہ و ذاع پرست و حریت بخش است ۱۴ اندر رؤسائے ہیئت علمیہ
 نجف اشرف است ۱۵ مؤسس و بانی ہیئت علمیہ نجف اشرف است ۱۶ بانی
 و مؤسس اساس ہائے خیرہ است مثل مدرسہ مرتضوی و قرأت خانہ (الابتری)
 و کتاب خانہ عمومیہ و دارالصناعہ برائے ایتام و نجف اشرف و مثل مدرسہ (ناجیہ)
 مقدسہ در سارہ ۱۷ صرف کنندہ مال زیاد از کمیہ فوت خود برائے مدارس و ایتام
 و حریت شرعیہ دہانے بقاد و دوام مجلس ملی ایران ۱۸ واجب است بر عموم مسلمانان
 اطاعت احکامیکہ از ناحیہ شریفیہ ایشان صادر میشود و واجب است تعظیم
 و تجلیل بد ۱۹ از علمائے عالمین بہ کتاب و سنت و از مردین شریعت است
 ۲۰ مومنین بہ فیض نماز جماعت اوقاف نص شوند ۲۱ گوی سبقت در علم و فضل
 از ہنگام رزودہ اند و ذلک فضل اللہ یوتیہ من یشاء ۲۲ علما و علما محل
 الہینان میباشد ۲۳ عالم با عمل است ۲۴ نزد مجتہدین موثق است ۲۵ در
 تہذیب اخلاق با علی درجہ رسیدہ است ۲۶ در تفتیح مدارک مسائل دینیہ رحمت
 زیادہ کشیدہ ۲۷ بہ مدارک احکام شرعیہ واصل شدہ ۲۸ خدمت بایشان

خدمت به شریعت است ۲۹ علاوه بر جامعیتش علوم عقلیه و نقلیه را از علوم جدید
 نیز اطلاع دارند ۳۰ از مقتضیات عصر و اقتضا ۳۱ در کلیه ایران و ممالک
 اسلامی مشهورند ۳۲ به تمدن ایران علاقه و مالا خدمت زیاده کرده اند ۳۳
 فرزندان و مانی را است ۳۴ صاحب رای مصاب و معتد و طرف شور مادر امور
 همه است ۳۵ با سلام و اسلامیات خدمت بزرگی کرده است ۳۶ در دخول
 لشکر روس بایران در ادامل سلطنت مشروطه ایران به قصد جهاد بارس با مجتهدین کبار
 و مهیت علمیه که در تحت صدارت او بودند از نخبه اشرف حرکت کرده از انجمن
 نزد دولت روس مقصر شده ۳۷ پدر بوجو چنین پسر باید فخر کنند ۳۸ از
 مبرزین حوزه علم و شرف است ۳۹ در صفات حمیده در میان سلسله شریفه
 علمیه متاخره هم اخوان مومنین قدر نعمت وجود او را به اندام در اخذ سهم امام
 علیه السلام و رسانیدن آن به مواد دیش و در تصرف در جمیع امور حسبیه از
 قبیل نظاموال ایتام و غیاب و مجهول المالک و موقوفات بے متولی خاص و دعایت
 من لادعی له مجازند ۴۰ داخل در اهل صل و عقد حوزه اسلام است ۴۱
 خدمت بجنبان ایشان موجب رضا و خوشنودی صاحب شریعت است
 ۴۲ در اتحاد اسلامیان زحمت زیاده متحمل شده ۴۳ منوجات اسلامی
 و وطنیه را ترجیح نموده و در این باب مال زیاده خرج کرده

(ب) از طرف دیگر فرامین شاهانه جناب آقای نفع الاسلام از سلطان
 محمد خان خاس رشاد دیدیم که با فرمان مالیشان سلطانی نشان طلایی علمی نیز
 بایشان از طرف اعظمی حضرت سلطان زکیا عنایت شده

و فرمانهای متعدد ایران را دیدیم که بانها نهای درجه دوم و درجه اول
 نشان طلایی علمی مورد مرمت شده اند و کاغذهای وزارت علوم و معارف

و وزارت خارجه و صدر اعظم بار از نظر کفر افیدیم و دیدیم اورا به لقب ثقة الاسلامی و مخصوصاً در
فرمان سلطانیه به الفاظ قدوة الامجد و الاکرام و افندی و غیره از الفاظ تعظیم و تجلیل اورا
ذکر نموده و بر حضرات امیه و اسلامیة آن اعتراض کرده اند که ذکر عبارت آنها موجب
تظلیل است -

ج علاوه بر مجتهدین کبار کلیه عراق عرب و سلاطین عظام اسلام و امراء
و وزراء فحاش می بینیم بزرگان علماء و مرشدان اهل سنت نیز بفضل و علم و بزرگی و
خدمات اسلامیة آقای ثقة الاسلام نیز اعتراض کرده اند از انجمله کاغذهاست
خصوصی و عمومی حضرت مستطاب قطب الاقطاب نقیب الاشراف بعد از سید عبد الرحمن
المحقق القادری پوسست نشین حضرت غوث اعظم شیخ عبد القادر گیلانی را خواندیم که حضرت
ثقة الاسلام را با الفاظ تعظیم ذکر کرده و به رسوم ابا ابی هندی و به خصوص ابا ابی مہدی احترامات
ایشان را توصیف و به خدمات اسلامیة آن جناب اعتراض و از غیرت اسلامیة آن تجمید کرده
و صاحب مهبت عالیہ اش سرکش گفته و از مشاییر عراق ایشان را بشمار آورده

د بعضی از کتب مورخ شمیر جرجی زیدان مؤلف کتاب تمدن اسلامی و
سیاحت نامه انریل خواج غلام الثقلین را دیدیم که در اول تصویر حضرت ثقة الاسلام
را با جمعیت علمیه نجف اشرف که باؤ اکثر ثریا بیک مفتش اتحاد و ترقی مرکزی سلانیک
عقد اتحاد اسلامی نموده در جلد اول کتاب مشاییر الشرق اش چاپ کرده
نشر داده و در دوم از مدارس و کتب خانه و قرائت خانه که حضرت ثقة الاسلام
در نجف اشرف بنا کرده و از کیسه خود خرج این اساس را می کرده و همچنین
آنریل موصوف این اساس را مشاهده نموده تعریف زیاده کرده و نیز نوشته
است که حضرت ثقة الاسلام اتحاد اسلامیان را خدمت زیاده می کند
و در فرقه و اگر اعراب عراق عرب ممتاز است و به چند دولت خودش روس
قیام کرده و دناغ پولتیکل دارد و اثرش نیز در حکام و والیان دولت ترکی

زیاد است و از مشاییر عراق و از اشخاص قابل دید است و جنابش را بلقب
 ثقة الاسلامی یاد کرده و هم چنین مجله المتقطف و الملل منطبقه مصر و سبیل الرشاد
 و مجله مصوره منطبقه استانبول و جرائد مصر و ایران و عراق عرب و شام و غیره
 در تمجید شخص آن جناب و مؤلفات نفیسه آن مفصل نوشته اند که ذکر همه گنجش
 این صفحات را ندارد -

ک - ادرس (سپاسنامه) دیدیم که علماء و اشراف و سر بر آور دگان ایرانیان
 بمبئی بجنرت ثقة الاسلام ازینج ^{سابق} ادا کن و دو تن بمبئی بحکمت ایشان در سده ایرانیان بمبئی بظرف
 جدید لطف فرموده اند و علماء و دانشوران سپاسنامه را جناب شیخ محمد حسن
 کاشی و نجفی کرده و پدید رزگار شش هم امضا کرده است علاوه بر اینکه آن ^{اول} در
 به لقب ثقة الاسلامی یاد فرموده اند از مؤیدین دین و مذہب و از دانشمندان
 معارف و از رجال بزرگ عصر خود نیز شمرده اند

و علاوه بر آن خدمات کثیره که در اوراق و اسناد مجتهدین و سلاطین غیور
 از ثقة الاسلام ذکر شده است اقائی ثقة الاسلام بعد از آن نیز خدمات زیاد قابل
 الذکر به مسلمانان عراق عرب و ایران و هند و ستان و غیره با کرده است که در آن
 اوراق ذکر نشده زیر که تاریخ آن اوراق و اسناد قبل از پانزده و هجده سال
 است و از جمله آنها با عموم احرار هند خصوصاً با کارکنان خلافت همدردی ظاهر ساخته
 و با احرار خلافت سفر کر ایچی کرده و شیعیان هند را با عموم مسلمانان هند در مسکن
 جزیره العرب و مالکن مقدسه هم آواز کرده و صد ارات انجمن عقبات عالیات را
 که در کنوثر تقریباً پنج سال قبل تشکیل شده بود قبول کرده و خطبه ریاست و صد ارات
 که فوق العاده شریفه السجود جالب نظر حکومت هند شده امر به ضبط خطبه اش
 نموده تمام نسخه را ضبط کردند و با ایرانیان مثل شیر و خمر آمیزش کرده

و به عالی و دانی بدون طمع مزد خدمت کرده و تدرسه دختران ایرانیان بمبئی را نیز
از ده سال قبل برای ایرانیان در بمبئی تاسیس کرده که امروزه بعضی دشمنان معارف
تیشه برایشه اش می زند و صدارت انجمن (اخوت اسلامیة ایرانیان) در ریاست
(جمعیت جوانان اثنا عشری هندوستانیان) لانا امروزه دارا هستند و از محصله
خدمات اخیرش دعوت کانفرنس آل اند یا شیعه بود به بمبئی که بعد از هجده
سال از تاسیس برای کانفرنس آمدن بمبئی ممکن نشده بود حتی تقریباً پنج سال
قبل که مرحوم نواب فتح علی خان قزلباش که به بمبئی تشریف آوردند کوشش زیاد
فرمود با بزرگان بمبئی ملاقات کرد که شاید اهل بمبئی کانفرنس را دعوت
دهند ممکن نشد و موفق نگردید لیکن اسال وقتیکه کانفرنس از آقای ثقه الاسلام
در ماه صفر بنده السنه خواہش دعوت نمود آقای ثقه الاسلام بر محترمین بزرگان
بمبئی اظهار نمود ا دل اعدای از شیعیان بمبئی اظهار موافقت نمودند بلکه اغلب مخالفت
کردند چنانچه وفد کانفرنس که نیز آمدن اوس برگشت لیکن آقای ثقه الاسلام
یو اش یو اش به حسن تدبیر و اعمال نفوذ عموم را با اتفاق باین مسله راضی کرده کانفرنس را
دعوت دادند و پول زیاد قابل که هیچ امید نہ بود از فضل خدا و ہمت برادران دینی
حضرات خود و ایرانی و ہندوستانی جمع شد و با عزت و احترام کانفرنس در
ماہ مارچ گذشتہ ۱۲۵۷ ع موافق ماہ شعبان ۱۳۳۶ ق بمبئی آمد و رفت الحمد للہ
او را در اخرا و ظاہر و باطناً -

خدام المسلمین

اعضای (انجمن اخوت اسلامیہ ایرانیان بمبئی)



LAH JUNG ESTABLISHMENT LIBRARY
(Oriental Section)

CHINESE PRINTED BOOKS

No. 499

